چند نکته در معنی تنزیلی و تأویلی «عدل» ـ حسین درگاهی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال سیزدهم، شماره ۵۱ «ویژه عدل الهی»، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۵۸ـ ۱۶۳

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]

چند نکته در معنی تنزیلی و تأویلی «عدل»

حسین درگاهی*

چکیده: نویسنده به اختصار در مورد معنای تنزیلی عدل و به تفصیل در مورد معنی تأویلی عدل سخن گفته است. وی عدل را به وجود مقدس اهل بیت علیهم‌السلام تأویل می‌کند. سپس وجه جمع بین نصوص مربوطه در این موارد را بیان می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: عدل- معنای تنزیلی؛ عدل- معنای تأویلی؛ مقام اهل بیت علیهم‌السلام.

*. پژوهشگر. محقق متون حدیثی.

۱. برای عدل مانند نوع مفاهیم در فرهنگ الهی، معنایی تنزیلی و ظاهری، و معنایی تأویلی و اولی و اصلی است. مراد از «عدل» به عنوان رکن دوم از اساس دوگانهٔ دین الهی، به اختصار به قرار ذیل است.

۲. و اما معنی تنزیلی عدل:

از نگاهی، خلقت به دو عالم تکوین و تشریع تقسیم می‌شود:

عالم تکوین، عالم کن فیکون، که عبارتست از ماهیات موجوده و تحقق یافته در خارج به مشیت و ارادهٔ تکوینی خدای متعال؛ لذا آن عالم، عالم اضطرار و اجبار است. و عالم تشریع که عبارتست از عالم باید و نباید، و بکن نکن که مادهٔ آن از طرفی خدای متعال است با تمام شئون مولویتش و از طرفی دیگر بندهٔ عاقل قادر مختار با تمام افعال اختیاریش، و صورت این عالم؛ احکام خمسهٔ الهیه از وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه؛ لذا: این عالم، عالم انتخاب و اختیار است.

۳. دین الهی به عنوان صورت عالم تشریع متناسب با مادهٔ آن عالم که خدای متعال و مولویت او و بنده و اختیارش است، تشریع شده است. و چنین است که اساس دین، توحید و عدل است:

«توحید» گزارش از معرفةاللّه است؛ معرفت اللّه سبّوح صمد، و «عدل» گزارش از معرفةالنفس؛ گزارش از معرفت بندهٔ قادر مختار؛ لذا: در تعریف عدل فرموده‌اند که خدای متعال اعدل از آن است که بنده‌اش را مجبور به عصیان کرده و سپس او را به سبب معصیتش عقاب کند.[۱]

امام عسکری علیه‌السلام از پدران گرامی‌شان علیهم‌السلام نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«مَا عَرَفَ اللَّهَ مَنْ شَبَّهَهُ بِخَلْقِهِ وَ لَا وَصَفَهُ بِالْعَدْلِ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ ذُنُوبَ عِبَادِهِ»[۲]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]

خدا را نشناخت آن که او را به آفریده‌اش تشبیه کرد و به عدل وصفش نکرد هر که گناهان بندگانش را به وی نسبت داد.

۴. و اما معنی تأویلی عدل:

در عرف انسانی حقایق و معانی، مفاهیم ذهنیه‌اند، برخلاف عرف الهی که در آن مفاهیم و معانی، حقایق نفس‌الامریه‌اند. در عرف الهی حقیقت منتشره و گسترده در تکوین خدای متعال و تشریع او اولاً وجود مبارک حبیب و ولیّ علی الاطلاقش؛ یعنی: وجود مبارک رسول اکرمﷺ و نفس نفیس ایشان امیرالمؤمنین صلوات‌اللّه‌علیه‌وآله می‌باشند. و چنین است که منظور و مقصود اصلی و اوّل از «عدل» و «احسان» وجود مبارک رسول‌اللّه و وجود مبارک امیرالمؤمنین صلوات اللّه علیهما و آلهما می‌باشند.

پیامبر اکرمﷺ در پاسخ به سؤال جابر– اوّلین چیزی که خدا آفرید چیست؟– فرمودند:

«نُورُ نَبِیِّكَ یَا جَابِرُ خَلَقَهُ اللَّهُ ثُمَّ خَلَقَ مِنْهُ كُلَّ خَیْرٍ»[۳]

نور پیامبرت ای جابر، خدا او را خلق کرد سپس هر خیر را از او بیافرید.

ذیل آیهٔ شریفهٔ (إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ)[۴] چند روایت با مضمون مشابه نقل شده است. برای نمونه:

امام باقرؑ در مورد آیهٔ شریفهٔ (إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ) فرمودند:

«إنّ اللّه یأمر بالعدل، و هو محمّدٌﷺ. والإحسان، و هو علیّ»[۵]

به راستی که خدا به «عدل» فرمان می‌دهد؛ و او محمّدﷺ است و «احسان»؛ و او علی است.

لذا فرموده‌اند: «مادّهٔ عالم تشریع از عالم تکوین نشأت می‌گیرد. نشو و نمای مادّهٔ عالم تشریع از عالم تکوین است.»

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]

پس هنگامی که منظور و مقصود اصلی و اولی (تأویل) از عدل، رسول اللّه‌ﷺ باشد؛ پس: بالملازمه این معنا در مورد نفس نفیس ایشان؛ یعنی امیرالمؤمنین صلوات‌اللّه‌علیه‌وآله نیز صادق است؛ ذیل آیهٔ شریفهٔ ۱۸ آل‌عمران – (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیم)– در تفسیر عیاشی از جابربن‌عبداللّه‌انصاری از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: «القِسط العدل فِی الظّاهر، وَ العدل فِی الباطن امیرالمؤمنین علیه‌السلام»[۶]؛ یعنی ظاهر عدل، قسط و باطن آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، و همین معنی تناسب دارد با مصداق اسم «حق» بودن امیرالمؤمنین علیه‌السلام و میزان اعمال بودن ایشان در درگاه الهی و «علیٌ معَ الحَق و الحقُّ معَ علی»[۷] و این همه؛ یعنی: «علیٌّ هُو العدل وَ العَدل هُوَ علی».

۵. جمع بین آیهٔ شریفه و روایات مربوطه در نگاه تنزیلی و تأویلی چنین خواهد بود که: کسی می‌تواند در عقیده و عمل به اعتدال و عدالت نائل شود که به ولایت الهیهٔ رسول‌اکرم و امیرالمؤمنین صلّی‌اللّه‌علیهماوآلهما نائل شده باشد، که آنان بندهٔ مرضیّ علی‌الاطلاق خدای متعالند؛ لذا در بارگاه الهی حقیقت عدل و عدالت ایشانند و به ولایت مطلقهٔ الهیهٔ ایشان هم آن‌ها تحقق می‌یابند. و کسی می‌تواند متخلّق به «احسان» شود که نائل به ولایت الهیهٔ امیرالمؤمنین صلوات‌اللّه‌علیه شده باشد.

«احسان» در معنای تنزیلی آن، عمل و عبادت در حالت تقوا و پاسداری از خدای متعال می‌باشد. در معنای تأویلی و معرفتی و معنوی آن، «احسان» مقام نورانی امیرالمؤمنین و «حُسن» مقام مطهّر و مقدّس صدیقهٔ کبری[۸] و جلوهٔ جلیل و جمیل آن حُسن در پرتو آن «احسان» حسن و حسین و محسن و تسعة المعصومین من أولادالحسین صلوات‌اللّه‌علیهم أجمعین می‌باشد.

ألّلهمّ ارزقنا معرفتهم و محبتهم و ولایتهم، اللّهم اجعلنا فیهم و لهم بحقّک علیهم و بحقهم علیک و عجّل فرجهم.

«عدل» از طرفی معرفةالنفس است و از طرفی دیگر «علیّ» است صلوات اللّه- علیه؛ و چنین است وجه جمع آن‌ها در آیهٔ شریفهٔ (یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّة)[9] در سورهٔ فجر.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «نَزَلَتْ فِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام»[10] (این آیه) در مورد علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است.

۶. پس آن کوکب هدایت الهی و حُسن تمام که «یَملأُ الأرض قسطاً و عَدلاً»[11]، «یملَأُ الأرض» از ولایت الهیه رسول‌اللّه و امیرالمؤمنین صلوات‌اللّه‌علیهماوآلهما. و بدین گونه است که عالم آکنده از نور معرفت الهیه خواهد شد.

امام رضا علیه‌السلام به سند طلایی خود از امام سجاد علیه‌السلام نقل کردند که ایشان دربارهٔ آیهٔ شریفهٔ (فطرَةَ اللّهِ الّتی فَطَرَ النّاس عَلیها)[12] فرمودند: «هو لا إله إلّا اللّه، محمّد رسول‌اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی أمیرالمؤمنین علیه‌السلام إلی هاهنا التّوحید»[13]؛ یعنی: اللّه، محمّد، علیّ، صلوات‌اللّه‌علیهماوآلهما؛ یعنی: حقیقت معرفت، محبّت و عظمت الهیه. و چنین است که:

«جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو»

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]

پی‌نوشت‌ها

۱. بحارالانوار ۵: ۵۹، از طرائف، از امام رضا علیه‌السلام.

۲. کنزالدقائق ۷: ۳۵۵، از توحید صدوق.

۳. بحارالانوار ۱۵: ۲۴، از ریاض‌الجنان.

۴. النحل (۱۶): ۹۰.

۵. کنزالدقائق ۷: ۲۵۵، از تفسیر عیاشی.

۶. تفسیر البرهان ۱: ۶۰۴ از تفسیر عیاشی.

۷. احقاق الحق ۵: ۶۳۷.

۸. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی فرمودند: «لو کان الحُسن هیئةً لکانَت فاطمة بل هی أعظم ...» مأة منقبة:۱۲۶ اگر «حُسن» شخصیتی باشد، آن فاطمه است، بلکه او برتر است.

۹. الفجر (۸۹): ۲۷.

۱۰. البرهان ۵: ۶۵۷.

۱۱. کمال‌الدین ۱: ۱۳۹.

۱۲. الروم (۳۰): ۳۰.

۱۳. بحارالانوار ۳: ۲۷۷ از تفسیر قمی.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]